



۲۰۱۳/۰۲/۲۷



عبدالحكيم سامع

«انتخابات» و ديموکراسی مشروط؟

گلبدین حکمتیار، بار دیگر اوامر قدرت طلبانه خود را، خارج از خواست انسان غم دیده کشور ویران ما، صادر نموده است. این نوشته کوتاه نباید، بمثابة «اقامه دعوی» علیه او از جانب صدمه دیدگان مردم ما، تلقی گردد، در آنصورت وقتی ممکن خواهد بود، که جامعه ما، سیستم حقوقی و نظام سیاسی متمدن توانای خود را داشته باشد. کسیکه اصولاً به «دیموکراسی» و «آزادی انسان» معتقد نیست و تطبیق نظر و عقیده خود را نه با قوت منطق، بلکه با زور سلاح مرگبار و «شرنگ» شمشیر می خواهد، به انسان، بعنوان «اشرف مخلوقات» نمی نگرند، با وی باید با تجهیزات لازم مقابله شود. موصوف که از سال ۲۰۰۳م، بر اساس منابع «بی. بی. سی»، از جانب شعبه دولتی ایالات متحده آمریکا، بعنوان «تروریست» نام داده شده، به سهمگیری در حملات «القاعده» و «طالبان» علیه قوای آمریکا نیز متهم می باشد. صرفنظر از آنکه «ناظران» «خواست جاری» او را (۲۳ مارچ ۲۰۱۰)، برای مذاکره با مقامات حکومتی افغانستان مهم خوانده اند، فکر می نمودند که این حرکت ممکن فشاری را بر «طالبان» نیز باعث گردد، تا برای آغاز همچو قدم، بخاطر تماس با حکومت افغانستان، از خود تمایل نشان دهند. البته هر گونه نزدیکی و یا «مؤقتیت» های سیاسی او، در تماس، با «مأموران خارجی» و «افغانی» نمی تواند، لکه خون بی گناهان را از «دامن» او «پاک» سازد.

حال احتمالاً با تجارب اخیر «مصر»، «فورمول» نوی از آرشیف افراطی های مسلکی بین المللی خود آموخته باشد. تاریخ بشر نمونه های بی شماری را می شناسد، که بعضاً گروپ های سیاسی و سران آنها در راه کسب قدرت با حیات انسانهای بی گناه بازی نموده اند، ولی از برکت عوامفریبی، بیشتر از بی گناهان، خود حرف ها و ادعا های معصومیت را بزبان آورده اند.



چندی قبل هم همین گلبدین حکمتیار، که خود را «امیر» حزب اسلامی افغانستان می نامد، در مصاحبه دیگری پس از ۲۱ سال، در باره تلفات انسانی در جنگ های «تنظیم ها» در کابل، که افراد جنگی او نقش سنگین داشته اند، اعترافاتی را به آب داد. رد پای «خونین» آنها، در هیچ نوعی از نظام های سیاسی، که به «آرای» مردم، ارزش قائل باشند، «حق» کاندید شدن را برای چنین «جنگ سالاران» قائل نمی دهند، چه جایی که «شروط» آنها را قبل از آنکه در برابر محاکم عدلی، حسابدهی داشته باشند، بپذیرند.

(در پایان عکس منتشره «بی. بی. سی»، بتاريخ ۲۳ مارچ ۲۰۱۰م می خوانیم: «آقای حکمتیار تحت تعقیب ایالات متحده به ارتباط «تروریزم» می باشد.»

با شناخت ایکه از «گلبدین حکمتیار» در قطار «جنگ سالاران» عوامفریب و «بنیادگرای افراطی» وجود دارد، برخلاف ادعای پوچ خودش که گویا او و «حزب» او همیشه از «خود» دفاع کرده اند، مردم بیاد دارند که در سالهای قبل از آغاز بحران، بعد از اعلان «قانون اساسی» سال ۱۹۶۴م، حلقات دور او و دوستانش، از اولین حلقاتی بوده اند، که در ولایات و پایتخت کشور دستان رنگین به خون جوانان و نو جوانان داشته اند، تیزاب بر چشمان و روی دختران معصوم و نازنین وطن ما، پاشیده اند. در صحن پوهنتون کابل، بیاد داریم که محصل جوان و نطق برجسته، «مبلغ راه ترقی و تحول بنیادی جامعه»، «سیدال» عزیز و پر شور و انسان وندوست و انساندوست را بقتل رسانیدند. متعاقباً همین او و یارانش بوده اند که بر ضد رژیم سلطنتی و متعاقباً علیه رژیم جمهوری سردار محمد داؤد خان، به فعالیت های تخریبی و به اقدامات «بر اندازی» رژیم، در سالهای قبل از «کودتای چپی ها»، آنها از خاک پاکستان متصل شده اند. از آغاز «بحران» چندین دهه، تا امروز، از جمله

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښي پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

مسئولین اصلی بحران شمرده می شود. کسبیکه به «سلاح و شمشیر» برای رسیدن بقدرت دست می برد، با منطق «آزادی عقیده و بیان»، آشتی نموده است.

همین شخص و متحدان او پروسه های «دیموکراسی» را در مراحل مختلف برهم زده، به پیروی از نظرات «افراطی» مذهبی، هیچ نوع تفاهم و آمادگی در وجود او، برای یک «سیاست» همزیستی با «دیگران اندیشان» و «پیروان» مذاهب و ادیان دیگر دیده نشده است. طرح اشتراک در انتخابات، با وضع «شرایط»، بلند پروازانه، در حقیقت امر، تلاشی است، برای تداوم «بحران». او ممکن خود بداند، که در میدان «انتخابات» برنده شده نمی تواند. چنین ادعا را افراد او در زمانی بزبان می آوردند، که حین ورود به کابل، در سال ۱۹۹۲م، در حالیکه در ترکیب «سیاسی - نظامی «هفتگانه» دارای موقف قوی بوده است، یعنی در وقفه هائیکه از وی بحیث «صدراعظم» حکومت «تنظم های جهادی» یاد می گردید، کابل زیبا را ویران و ده هزار انسان، جان های شیرین، خود را از دست داده اند، صدها هزار هم جبراً خانه و کاشانه خود را ترک نموده، در سراسر دنیا آواره شدند.

باز همین «مهره» در زمان کنفرانس «بین» خاصناً وقتی سه گروه از نوع «بنیاد گرای» افراطی چون «جنبش طالبان»، «گروه حقانی» و «بخشی» از گروه حزب اسلامی («حکمتیار»)، در تحت نام «ضدیت با حضور قوای خارجی»، در همکاری نزدیک با سائر گروه های «تروریستی» قرار گرفته اند، که در حقیقت نه با حضور «قوای خارجی»، بلکه در مطابقت با «اهداف پاکستان» که در کنفرانس «بین» مواضع «ضعیف» داشته است، عمل نموده اند. «جنگ علیه تروریسم» را «ائتلاف» بین المللی از خاک افغانستان بنا بر دلایلی که داشته اند، آغاز نمودند. اما محافل «بین المللی» تحت رهبری «سازمان ملل متحد» تلاش ورزیده، تا با استفاده از امکانات ناشی از آن، برای افغانستان، توسط خود افغان ها و بکمک بین المللی، «ختم جنگ، تشکیل اداره نو» و غیره را ممکن سازد. همین گلبدین «حکمتیار» هم در جمله کسانی بوده است، که این «پروسه» را که می توانست، نتایج بهتر برای کشور ویران و جنگ زده ببار آورد، مخالفت ورزیده است. به ظاهر امر، چنین تبلیغ می کنند، که گویا در داخل کشور بسر می برد. در حالیکه همه می دانند، که خود و فامیل او با ناز و نعمت در تحت حمایت چه حلقه های در پاکستان قرار دارد.

منبع خبری «افغان جرمن آنلاین» بقول از منابع خبری دیگر می نویسد: «بناغلی حکمتیار ژوندون تلویزیون ته په مرکه کې وویل: ((که ټول بهرني ځواکونه په بشپړه توګه ووځي، په حکومت او د ټاکنو په اوسني او د ناټو له لوري غلطی تحمیل شوي تگلاري کې لازم بدلون راشي او ازادو عادلانه ټاکنو ته لاره اواره شي، نو حزب اسلامي به په ټاکنو کې برخه واخلي.))»

ادعای بعدی هم جالب است: «((مور د هېڅ ډلي او حکومت پر ضد جګړه نه ده پيل کړي، بلکې د نورو له لوري پيل شوي جګړې پر وړاندي مو مقاومت کړی دی.))»



Widerstands-Führer Hekmatjar
„Der Kommunismus ist schwach“

به ادامه باز چنین اظهار می نماید: «په افغانستان کې د ایران د مداخلو او نفوس په اړه بناغلي حکمتیار وویل: ((ایران په افغانستان کې له امریکایانو سره ملګرتیا وکوله. ایران پلوه ډلي یې په دې وګمارلي چې د امریکانو د ځمکنیو ځواکونو په توګه او د هغوی د قومندي لاندې د سني رقیبانو سره وجنګېدل.....))»

قریب پنجاه سال است، که این شخص در فعالیتهای «سیاسی - نظامی» به اشکال مختلف در پیوند با محافل «اخوان المسلمین بین المللی» و سائر «افراطیون» منطقه، دولت های پاکستان و سعودی در پیشاپیش همه، بنام کشور های اسلامی، فقط در فکر کسب «قدرت» تنهایی سیاسی در افغانستان بوده، با ادعا های مذهبی، طرح های فریبنده خاص خود را تکرار می نماید.

درست بیست و پنج سال قبل (۱۹۸۸م)، زمانیکه در نتیجه انجام مذاکرات «ژینو»، فیصله بعمل آمد، تا «قوای شوروی» افغانستان را ترک گوید، مجله

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

«شپیگل» در شماره ۱۹ سال ۱۹۸۸م، گزارش مفصلی را از نقاط مختلف کشور، منتشر ساخته است. درین شماره، علاوه از طرح مطالب و اظهارات مختلف و تذکر از ویرانی های جنگ و «آینده نا معلوم» پروسه صلح، با نشر این عکس «رهبر - مقاومت حکمتیار» که مدعی گردیده بود: «کمونیسم ضعیف است»، کلمات تهدید آمیز دیگر را از زبان او و «قوماندان» های متعدد مربوط «هفتگانه» مستقر در پاکستان، در «ضدیت با کمونیست ها»، به آدرس کارمندان دولتی وقت نیز منتشر ساخته اند.

در گزارش می خوانیم: در عنوان مطلب، بالاتر از عکس «گلبدین حکمتیار»، که در وسط صفحه جای داده شده است، در قوس «گیمه» می خوانیم: «روس ها جز واهمه چیزی دیگر بجای نمی گذارند». چنین بنظر می رسد، که اظهار از او باشد. در مصاحبه اخیر خود، در رابطه با ایران و امریکا، اظهارتی داشته است. در زمان کنفرانس «بن» (در سال ۲۰۰۱م) موقف واحد، با موقف دولت «ایران» بر «ضد امریکا» داشته است، حال ببینم که در سال ۱۹۸۸م، در باره موقف او و آینده حکومت، رهبران «تنظیمی» چه گفته شده است.

«افغانستان نوین را بر قرآن بنیادگذاری می نمایند؟»

«این کشور اسلامی خواهد بود، اما نه دیموکراتیک. بدون انتخابات مستقیم: نمایندگان مردم ملا ها و دیگران، بنمایندگی از محلات آنها، فیصله بعمل می آورند. لیکن» احمد شاه بخاطر تسلی می گوید «برای آن از کمپیوتر و تخنیک مودرن تقدیر می نمائیم.» («شپیگل»، شماره ۱۹، ۱۹۸۸م، صفحه ۱۸۷).

گزارشگر می نویسد که «انجنیر بشاش را حتی همه هفت رهبر احزاب به اتفاق آرا تعیین ننموده اند. از مهاجرین و مجاهدین هم در باره موافقت ایشان سؤال بعمل نیامده است. فکر و حرف او بر اساس اوامر عالیترین بنیادگرای، گلبدین حکمتیار، ۴۰ ساله صورت می گیرد. از معامله منع است. در تعاملات مقاومت حکمتیار مرد کارکلان آنهاست. خمینی و قذافی قوای او را با پول و اسلحه تقویت می نمایند. او برای ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی، مساویانه مزاحم گردیده هر دو رابه تمسخر و استهزاء می گیرد. لیکن در برابر حکمتیار، امریکا عمیقاً قد خم می کند: یک پنجم اسلحه و مهمات کمکی برای حزب اسلامی او سیرده می شود. به ادامه تذکر رفته است، که همزمان «ربانی» هم می خواهد رئیس باشد. سرکرده افغانستان جدید: «نجیب و ۱۰۰۰ بدترین و عاملین بد با روس ها گم خواهند شدند. به هندوستان ناقل خواهند شد، یا به جمهوری دیموکراتیک آلمان و متباقی؟»

«آنها از عفو عمومی مستفید خواهند شد. مجبور اند اطاعت نمایند و به اسلام دوباره برگردند.» بعد از آن حکمتیار می گوید، صلح کامل برقرار خواهد شد. «شش ماه بعد از ۱۵ فیروزی ۱۹۸۹م انتخابات براه خواهد افتاد.» (همانجا، صفحه ۱۹۰) بعد دیده شد که گلبدین حکمتیار تحت حمایت «استادش قاضی حسین احمد»، بعد از اشغال خوست چه کرد. نا الحال در کدام انتخابات خود اشتراک نورزیده است.



حین اشغال «خوست» همین «استاد» او که حال از چندی بدینسو، پهلوی او را برای ابد «خالی» گذاشته است، در جریان دیدار جنگی هایش، در خوست با او هم سفر بوده است. خوست «جز خاک پاکستان نیست»

در سال ۱۹۹۲م، وقتی با «برادران اسلامی» اش داخل کابل آمد، دیدیم که چه کردند.

جالب اینست که در همین شماره، ضمن صحبت با «احمد شاه مسعود»، حرکت بسمت «جنگ داخلی»، در همان سال ۱۹۸۸م پیشگویی گردیده بود، این شخص یکی از «مهره» های اصلی، پیش برنده نقشه های «مرموز» ضد افغانی بوده است، که تا حدی، پیوند های او روشن است. در همین گزارش گفته شده است، که قدرت اصلی را تنظیم های «هفتگانه مستقر در پاکستان»، بین هم تقسیم نموده بودند، که بعداً بنابر بروز اختلافات در تقسیم، بجان

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

هم افتادند و وطن را بیشتر به ویرانه مبدل نمودند. قبل از آنکه برای آینده «شرط» وضع می کند، باید اقلاً «جواب» به سؤالات مربوط «جنگ داخلی» ارائه نماید.

عطف دوباره به گزارش «شیپگل در سال ۱۹۸۸م»، گزارشگر حین دیدار از مناطق مختلف از ولایت غزنی، می نویسد، « حال ساعات علاقمندی آنها به کینه، خشونت و بی رحمی و میل به کشتن است، فیر نمودن را بهتر از خواندن انجام داده میتوانند. آیا گاهی هم فراموش خواهند کرد، که همین جهاد مقدس بود که برای آنها کشتن را آموخت؟»

تصاویری که «بی.بی.سی.» وقتاً فوقتاً در باره شخص گلبدین حکمتیار بدست نشر می سپارند، با وجود امکان نفوذ، دستگاه های استخباراتی، باز هم، در محتوای همه متون اینجا و آنجا، بوی مطالب پوشیده، محسوس است. بعنوان مثال در گزارش مؤرخ ۲۳ مارچ ۲۰۱۰م، از «رهبر سابق مجاهدن، گلبدین حکمتیار»، بحیث «یکی از ستیزه جو ترین مهره ها در تاریخ مودرن افغانستان» می شمارد. بصراحت می نویسد: «صدر اعظم سابق در نقش فرمانده جنگ خونین داخلی سالهای ۱۹۹۰م، درحافظه ها جای گرفته است. در حال حاضر حکمتیار، متحد باریک و یا لطیف طالبان شناخته شده، اما در عین زمان هر دو جانب بر یک دیگر، بد گمان اند». از یکطرف بعنوان «تروریست» متهم، از جانب دیگر عملاً علیه او اقدام صورت نمی گیرد. اعضای حزب او در هر کنج و کنار، حاکمیت فعلی افغانستان، در شبکه های «تنظیمی» و «جنگ سالاری» فعال اند.

پایان

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ